

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جولای ۲۰۱۸

## سیلی مردم "جلال آباد" بر روی جواسیس

سه شنبه- ۱۲ سرطان ۱۳۹۷- کابل: به دنبال انفجار انتحاری دشمنان افغانستان، و پیشکش کردن بیش از ۵۰ کشته و زخمی به مثابه خیر مقدم به جاسوس بزرگ "سیا"، "غنی احمدزی"، در شهر جلال آباد، شنیدیم و خواندیم که چگونه نوکران استعمار و در رأس همه "غنی احمدزی" تلاش ورزیدند تا یک ولایت را علیه ولایات دیگر و یک قوم را علیه اقوام دیگر و یک مذهب را علیه مذاهب دیگر، تحریک و مورد سوء استفاده قرار دهند.

استعمار و ایادی خودفروخته آن از قماش "باندارگ" با این شگرد ها تلاش می ورزیدند تا تخم نفاق و شقاق بین اقوام، زبانها و مذاهب در کشور بپاشانند تا ماهی دلخواه شان را از آب گل آلود صیذ نمایند، امری که امروز مردم شهر جلال آباد و حومه در عمل علیه آن ایستاده و سیلی محکمی بر رخسار گنبدیده و متعفن نوکران استعمار وارد نمود.

تا جایی که از مطالعه حوادث ۴ دهه اخیر می توان نوشت، طی این چهار دهه، دشمنان مردم افغانستان در هر لباسی که ملیس بوده اند، یکی از تکتیک های آنها علیه مردم افغانستان و موجودیت کشوری به نام افغانستان، ایجاد نفاق و شقاق بین مردم کشور به هزاران بهانه بوده است. یکی از این بهانه ها که قربانی نقد و حاضری هم داشت، زیر عنوان اسلام و اسلامیت؛ کشتن، تاراج، گروگانگیری، مصادره و غصب اموال و حتا تجاوز به عنف بر نوامیس اقلیت سکبه و هندوی هموطن ما بود.

هرگاه دو عمل جنایتکارانه، ضد انسانی و ضد ملی علیه اهل هنود وطن ما را در دوران جمهوری داوود خان و اوایل آمدن روسها بر افغانستان نیز از یاد نبریم، با جرأت نوشته می توانیم که خشونت، تاراج و تجاوزات سازمان یافته علیه اهل هنود و سکبه ها در افغانستان متناسب با گسترش نفوذ نوکران پاکستان در وجود اخوان و اخوانیت ابعاد و اوج خاصی به خود گرفته است چنانچه وقتی دهاره دزدان و نوکران پاکستان، عربستان سعودی و ایران و مجموع غرب زیر نام مجاهد، جانشین نوکران روس در افغانستان گردیدند، از جمع ده ها هزار قربانی، نخستین گروه آنها سکبه ها و اهل هنود افغانستان بودند.

با روی یکار آمدن طالب آن سیاست نه تنها خاتمه نیافت بلکه ابعاد بیشتر نیز یافته همه شاهدیم که از چند ده خانواده اهل هنود که تا آنزمان در افغانستان به خصوص کابل، قندهار و جلال آباد سکنی داشتند، به رسم یهود ها در زمان نازی ها، می بایست با علامت فارقه مخصوص یعنی "قشقه" از خانه بیرون می شدند. این که در تمام دوران حاکمیت جهادی و طالب چه بر سر آن اقلیت آمد، خود داستانیست به گفته فردوسی بزرگ "پرآب چشم"، همین کافیسیت که یکبار تناسب

باشندگان کارته پروان و کارته مأمورین را از لحاظ مذهبی مطالعه نمائیم، خواهیم دید که چگونه ملکیت های این بخش از باشندگان کشور، توسط عمال شورای نظار و جمعیت و بعد ها، طالب و طرفدارانش مصادره و غصب شده است. در هر صورت وقتی دیروز "مهمانان جناب رئیس" طی یک انفجار ۱۵ تن از افراد صف مقدم و گلچین شده سکه ها و اهل هنود آنها را جهت خوشنودی "آی. اس. آی" سربرید، استعمار انتظار داشت که از یک سو سکه ها و اهل هنود اعتراض نمایند و از جانب دیگر مردم جلال آباد به اصطلاح "عرق مذهبی" شان غلبه نموده به دفاع از جنایت برخیزند.

از این دو انتظار اولی تحقق یافت، سکه ها به خیابانهای جلال آباد برآمدند، علیه "غنی احمدزی" و دار و دسته اش که آنها را قصابی نموده بودند، شعار دادند، مگر انتظار دوم نه تنها برآورده نشد، بلکه عکس آن مردم جلال آباد هوشیارانه و وطنپرستانه عکس العمل نشان داده، با شرکت در مراسم عزاداری سکه ها و اهل هنود، و رفتن به "درمسال" و دست بلند کردن و اتحاف دعا برای کشته ها، در عمل نشان دادند که برای مردم افغانستان وقتی پای وطن در میان آید، نه دین ارزش دارد، نه مذهب ارزش دارد، نه زبان ارزش دارد و نه هم قوم و تبار. همه خود را وطندار و از یک وطن مشترک می دانند یعنی افغانستان.

این تنها وطنروشان، جواسیس و عوامل بیگانگان اند که می خواهند بین مردم افغانستان نفاق قومی، مذهبی و زبانی بیندازند. از این حرکت مردم جلال آباد باید آموخت و جواسیس را تجرید نمود.

**دیده شود چه می شود!!!**